گزارش

ادامه از صفحه ۱۵

پاهیرا تحصیلاتش تربیت بدنی است، انگلیسی اش خوب است، با مربیان بسیار خوبی کار کرده و به عنوان دستیار و در کنار مربیانی قدرتمند در آمریکا، کویت و ترکیه حضور داشته. پس این فرد حتی اگر بازیکن خوبی نباشد می تواند مربی موفقی باشد، همان طور که برزیل را در آمریکا قهرمان جام جهانی می کند و یا آریگو ساچی در ۱۹۹۴ ایتالیا را به فینال جام جهانی می رساند، در صورتی که هیچ وقت بازیکن موفق و مطرحی نبوده است. محصص که خود دارای مدرک lelite حرفه ای در مربیگری است که بالاترین مدرک مربیگری نیز محسوب می شود، می افزاید: مربیگری از نظر من یک خصوصیت ذاتی است که باید در ذات فرد باشد و ارتباطی به تدریس و یا کارشناس بودن فرد ندارد. من فکر می کنم کلید موفقیت یک مربی خوب در برقراری ارتباط صحیح با بازیکنان است تا مربی بتواند اعتماد بازیکنان را به خود جلب کند. اگر امروز «کلینزمن» مربی موفقی است، به این دلیل است که با نسلی کار می کند که از نظر فکری بسیار به آنها نزدیک است. با بعضی از بازیکنان هایش هم بازی بوده، خوب این نزدیک بودن فکری کلید موفقیت او است.

گاهی وقت ها این مسئله ربطی به آگاهی گوینده ندارد و صرفاً اشتباهی در تکلم است اما متاسفانه گاهی نیز پیش می آید که مجری به دلیل نداشتن آگاهی به فرض در مورد جغرافیای کشورها اشتباهی می کند که دیگر اشتباه در تکلم و بیان نیست. البته این نوع اشتباهات در این سال های اخیر کمتر به چشم می خورد. رضا جاودانی به عنوان یک مجری که در این سال ها حضور پررنگی داشته می گوید: عذرخواهی کردن و تصحیح مطلب بسیار ساده است، همان طور که نشریات روز بعد خبر خود را تصحیح می کنند، در برنامه تلویزیونی هم می توان مطلب را تصحیح کرد با این ویژگی که در برنامه تلویزیونی این مسئله همان موقع اتفاق می افتد و عذرخواهی کردن هیچ ایرادی ندارد. از دیگر مسائلی که در برنامه های زنده تلویزیونی زیاد دیده می شود این است که در جاهایی مجری، سخن کارشناس را قطع می کند و یا بحث را از آن مسئله ای که کارشناس می گوید، تغییر داده و به سمت بحث مورد نظر خود می کشاند. این چنین اتفاقاتی در برنامه های زنده بسیار زیاد است و حتی گاهی این اشاره از اتاق فرمان صورت می گیرد و خود مجری باید سخنش را قطع کند. برای اینکه دلیل این اتفاق را که شاید زمان هایی حتی ما، مخاطبین را آزار داده بدانیم با مجریان این برنامه در مورد این مسئله صحبت می کنیم.

یوسفی عقیده دارد که حال چون سال ها است که مجری برنامه های مختلف تلویزیونی بوده و آشنایی کامل با نوع زمان بندی خاص این گونه برنامه ها دارد، از اینکه از اتاق فرمان اطلاع بدهند که باید حرفش را قطع کند، ناراحت و یا عصبانی نمی شود. وی در مورد کارشناسان و مخاطبان نیز می گوید: این مسئله ممکن است برای کارشناس هم پیش بیاید و ما مجبور شویم سخن کارشناس را قطع کنیم، که اگر کارشناس با این نوع برنامه ها آشنایی نداشته باشد، ممکن است ناراحت شود و یا حتی این ناراحتی ممکن است برای مخاطب هم پیش بیاید. ولی به هر حال این مسائل وجود دارد و برای کسانی که در رسانه ها کار می کنند پذیرفته شده است. رضا جاودانی هم در این مورد عقیده دارد: وظیفه ما به عنوان مجری این است که برنامه را به سمت و سوی هدف مشخص هدایت کنیم و اگر ببینیم کارشناس از نوع تفکر برنامه دور شده است، با سئوالی جهت گفت وگو را تغییر دهیم تا به سوی هدف برنامه پیش رود. اما من به شخصه سعی می کنم، بسیار کم حرف کارشناس را قطع کنم. در مورد تاثیر رسانه بر مخاطب نظرات افراد مختلف را شنیدیم اما رسانه گاهی هم می تواند نوع تاثیرگذاری اش تغییر کند و در شکل گیری افکار عمومی در جامعه تاثیری دیگرگونه گذارد. مثلاً صدا و سیما به عنوان یار دوازدهم پشت تیم ملی ایران ایستاد و تا حدودی به صعود تیم ملی ایران به جام جهانی کمک کرد و بعد از آن هم در حفظ برانکو زحمت کشید. همان طور که می دانیم بعد از مسابقات مقدماتی فردوسی پور در برنامه نود کارشناسانی آورد تا بررسی کنند آیا برانکو بهتر است باشد و یا مربی دیگری برای تیم ملی باید بیاورند. البته کار ما قضاوت نیست اما به هر حال مسئله بر مطبوعات و افکار عمومی هم تاثیر گذاشت و برانکو در سمت خود حفظ شد که خوب حال می بینیم این نتیجه خوبی نداشت. پیمان یوسفی در این باره می گوید: یار دوازدهم با اصل و نیت و مقصد طرح دوستی پایه ریزی شد و در این مسئله هم موفق بود که با حمایت تیم ملی نوع همبستگی بین مردم و تیم ملی برقرار کند. این هدف اولیه بسیار خوب بود و باید بپذیریم که هیچ مسئله دیگری نمی توانست چنین نشاط و همبستگی ای بین مردم ما ایجاد کند. توپ فوتبال به غایب کره زمین شاید نمادی از جهانی باشد که انسان ها را به دوستی و همدلی دعوت می کند و از همین رو است که دبیرکل سازمان ملل متحد، «کوفی عنان» به «سپ بلاتر» رئیس فیفا رشک می برد که اعضای متحدین به فیفا بیش از سازمان ملل متحد هستند. چرا که فیفا با وظایفی متفاوت بدعت گذار دوستی در کشورهایی است که حتی در سازمان ملل متحد حضور ندارند.

یادداشت

ادامه از صفحه ۱۵

چند قسمتی که جلو رفتیم شاهسواری که چند سالی این طرح دلمشغولی اش بود و علقه شدیدی به آن داشت گفت وقت بیشتری برای فیلمنامه می خواهد، بگذارد و آستین همت بالا زد و آمد میان گود برای نوشتن. از خدایم بود. چون هم راستش فشار زمان تولید خسته ام کرده بود و هم اینکه از همکاری با شاهسواری لذت می بردم و دوست داشتم در کشور ما که عموماً کار جمعی و اشتراکی صورت نمی گیرد، ما که از دو نسل متفاوت بودیم، همکاری موفقی داشته باشیم. دیگر برنامه مان شده بود فیلمنامه ای که نوشته می شد و در جلسات نظرات مشورتی می آمد با شاهسواری کم و زیاد می کردیم. از قسمت سیزده، چهارده به بعد دیگر سیناپس که می زدم و به توافق می رسیدم، بعضی سکانس ها را شاهسواری می برد و می نوشت و فردا عوض می کردیم. آنچه من نوشته بودم او اصلاح می کرد و بالعکس. در موارد اختلافی هم که البته کم بود، معمولاً زور او به دلایلی کاملاً روشن می چربید! آخر خرداد با ۱۲ قسمت، سریال آغاز شد و ماند قسمت های باقی مانده. به امینی قول دادم که بیست روزه می دهم اما دو قسمت آخر بیش از چهل روز طول کشید. دیگر فقط می خواستم سریال تمام شود، همین و بس. می گفتم اولین شب آرامش من شبی است که این فیلمنامه تمام شود و خلاص. دیگر کارد می زدی خون شاهسواری درنمی آمد. قسمت هفده طول کشید و دستم به قسمت آخر که سیناپس سکانس به سکانس داشت، نمی رفت. شاهسواری گفت قسمت آخر را خودم دیالوگ می نویسم و نوشت. شاید باور نکنید ولی من هنوز دیالوگ های قسمت آخر را نخوانده ام.

کارگردانان در تابستان گرم و طولانی

بابک غفوری آذر

فیلم علی سنتوری ساخته داریوش مهرجویی، آخرین مراحل فنی خود را طی می کند

در حالی که سینمای ایران همچنان در حال گمانه زنی و تجربه اولیه سیاست های محمدرضا جعفری جلوه و مدیران جدید سینمایی کشور است، رونق ایجاد شده در بخش نمایش اندک اندک در حال سرایت به حوزه تولید است و تقریباً اکثر فیلمسازان ایرانی از نسل های مختلف در حال انجام پروژه هایی هستند. از این لحاظ سینمای ایران بعد از چند سال مجدداً در حال تجربه یکی از دوره های خاص خود است که هرکدام از فیلمسازان ایرانی یا طرح فیلمی را آماده ساخت دارد یا یک فیلم را آماده نمایش. هرچند می توان درباره کیفیت و میزان آزادی فیلمسازان مختلف درباره ساخت فیلم هایشان صحبت کرد اما به هر صورت برای سینمایی که تولیداتش هیچگاه نتوانسته برآیندی کلی از سینماگران حاضر در آن باشد چشمگیر است. نوشته زیر مروری است بر فعالیت های چند فیلمساز شاخص از سه نسل مختلف سینماگران ایرانی که نموداری است از کلیت جریان تولید سینمای ایران در ماه های اخیر.

نسل اول

■ **بهرام بیضایی**: چند تماس تلفنی و یک قرار حضوری کافی بود تا مقدمات همکاری یکی از مهمترین فیلمسازان تاریخ سینمای ایران با دفتر تازه تاسیس «میران فیلم» فراهم شود. سال گذشته در همین روزها بیضایی و حمید اعتباریان بر سر تولید فیلمی در این دفتر به توافق رسیدند تا پس از یک مرحله طولانی انتخاب طرح، سرانجام «لبه پرتگاه» فرصت ساخته شدن پیدا کند. طرحی که به نسبت فیلمنامه های دیگر پیشنهادی، تولید به نسبت آسان تری دارد و جزء آثار کم هزینه بیضایی طبقه بندی می شود. هرچند اخبار مختلفی از طرح داستان لبه پرتگاه و مضمون آن منتشر می شود اما مشخصاً این طرح بیضایی نیز تمی معاصر با محوریت یک زن دارد و از میان ساخته های بعد از انقلاب بیضایی بیش از همه به «سگ کشی» شبیه است. به همان اندازه که درباره داستان فیلم اخبار مختلفی منتشر می شود درباره عوامل نیز شنیده ها متناقض و متفاوت است و گفته می شود بیضایی قصد دارد در این فیلمش از چهره های جوان و محبوب این روزها استفاده کند. با شروع پیش تولید فیلم اخبار دقیق تری در این باره منتشر خواهد شد. به این ترتیب اگر اتفاقی نیفتد و مانند انبوه موارد دیگر در آخرین لحظات همه چیز منتفی نشود، فاصله فیلمسازی بیضایی بعد از آن رکورد جاودانه ۱۰ سال، به ۶ سال کاهش می یابد و همین نکته می تواند برای مدیران و دست اندرکاران سینمای ایران دلیل محکمی بر اثبات ایجاد تحرک جدی در حوزه تولید سینما باشد. به هر صورت پس از همه این سال ها، فیلم ساختن بیضایی تبدیل به متر و معیاری برای ارزیابی جریان تولید و البته حدود و میزان سخت گیری آن شده است. آنچه مشخص است اینکه انتظارها از همین حالا برای تماشای کنجکاوی برانگیزترین محصول سال آغاز شده است. با این امیدواری که این بار همه چیز مطابق انتظار و براساس توافقات پیش برود و خاطره بدی در ذهن ها باقی نماند.

■ **مسعود کیمیایی**: روند سینوسی تولید فیلم «رئیس» ظاهراً به نقطه اوجش رسیده و کیمیایی و مسئولان نظارت و ارزشیابی بر سر فیلمنامه فعلی به توافق رسیده اند؛ فیلمنامه ای که با طرح اولیه فاصله فراوانی دارد و چند مرحله بازنویسی را پشت سر گذاشته است. حالا تنها وضعیت مزاجی کیمیایی و اوج گرفتن گاه و بیگاه یک بیماری کهنه عامل اصلی به تاخیر افتادن فیلمبرداری بیست وششمین فیلم فیلمساز جریان ساز سینمای ایران است. در طرح فعلی از فیلمنامه اولیه چند شخصیت باقی مانده اند و کیمیایی قصد دارد مانند ساخته های دیگرش از گروه بازیگران شناخته شده ای استفاده کند. حضور پولاد کیمیایی، فرامرز قریبیان، مهناز افشار، عزت الله انتظامی و لعیا زنگنه قطعی شده است و ظاهراً از ترکیب اولیه پیشنهادی سعید راد کنار گذاشته شده است. کیمیایی این روزها در حال انتخاب لوکیشن های رئیس است که اکثر سکانس های آن در تهران می گذرد. آنها که طرح اولیه رئیس را خوانده بودند آن را یکی از بهترین آثار او ارزیابی می کردند که در فضاهایی که کیمیایی کاملاً آشنا به آنها است می گذرد. طرح فعلی هم درباره پدر و پسر خلافکاری است که در نقطه ای روبه روی هم می ایستند. کیمیایی با «حکم» بسیاری از منتقدان ناامید شده از خود را امیدوار کرد و انتظار می رود فیلم خیابانی «رئیس» بتواند این جریان را تداوم بخشد.

■ **داریوش مهرجویی**: «علی سنتوری» آخرین مرحله آماده سازی خود را طی می کند و حالا همه منتظر تصمیم مهرجویی هستند تا ببینند او قصد دارد فیلمش را قبل از جشنواره اکران کند یا تا آن زمان صبر کند و نخستین نمایش علی سنتوری در جشنواره فجر باشد. کسانی که زمان فیلمبرداری سر صحنه فیلم حاضر شده بودند از اثری عجیب یاد می کردند که پیش بینی درباره حاصل آن غیرممکن می نمود. حتی برخلاف گفته های قبلی درباره فضای شاد و مفرح فیلم به مانند «مهمان مامان» نمی توان به طور قطع علی سنتوری را اثری طنزآمیز دانست. مهرجویی هم اکنون در کنار نظارت بر مراحل آماده سازی علی سنتوری همراه وحیده محمدی فر و محمد یعقوبی مشغول نگارش متن سریالی به نام «حکیم رازی» برای تولید در سیمافیلم است که حاصل صحبت های قبلی برای ادامه همکاری مهرجویی با تلویزیون است که با مهمان مامان آغاز شده بود. مهرجویی که این روزها فعال تر از گذشته پیگیر فعالیت های سینمایی اش است، به تازگی فیلمنامه ای از حسین ترابی به نام «نقاب زیبا» را خوانده که نظرش را جلب کرده است و قصد دارد با بازنویسی آن، شرایط ساختش را فراهم کند. فعال شدن مهرجویی بیش از همه در این روزها به سود جریان تولید سینمای ایران تمام می شود که همیشه از فیلم ساختن مهرجویی منتفع شده است.

■ **عباس کیارستمی**: اطلاع از اینکه کیارستمی در حال فعالیت بر چه مضمون و کاری است، سخت است. او حتی در بازگشت از سفرهایش از طرح ها و راش هایی صحبت می کند که برای ساخت فیلمی استفاده کرده است. بعد از حضور ژولیت بینوش و انتشار اخباری مبنی بر بازی او در فیلمی از کیارستمی و بعد منتفی شدن آن، از طرحی صحبت شد که درباره مرد جوانی در بیابانی بود که از حامد بهداد به عنوان بازیگرش یاد می شد. ظاهراً این طرح نیز به نتیجه نرسیده و کیارستمی پیگیر به سرانجام رساندن فیلمی شده است که راش هایی از آن را در سفرهایش به شمال گرفته است. هرچند فعالیت های غیرسینمایی کیارستمی مانند عکاسی و شاعری هم این روزها سهمی از وقت او را گرفته است.

■ **خسرو سینایی**: سینایی این بار هم قصد دارد در جنوب کشور فیلم بسازد. بعد از تجربه موفق «عروس آتش»، این فیلمساز متفاوت و گزیده کار سینمای ایران تصمیم دارد باز هم در فضای جنوب کشور و این بار در بوشهر فیلم بسازد و ظاهراً این ساخته اش نیاز به دکور و فضاهای خاصی دارد که فعالیت های اولیه برای طراحی آن آغاز شده است. جزئیات زیادی از فیلمنامه جدید سینایی با نام «کویر خون» منتشر شده است اما ظاهراً فیلم پس زمینه ای درباره دفاع مقدس دارد و تصمیم بر آن است که از اواسط شهریور فیلمبرداری آغاز شود.

■ **محمدرضا اصلانی**: از میان شنیده های تولید سینمای ایران، انتشار اخباری مبنی بر ساخت فیلمی از محمدرضا اصلانی فیلمساز به شدت نخبه گرا و تجربی سینمای ایران که در سال های اخیر عمده وقت خود را به ساخت مستندهایی درباره فرهنگ و هنر ایران اختصاص داده بود، در نوع خود جالب و عجیب بود. فیلمی به نام «سنگ صبور» که به تهیه کنندگی خود اصلانی و با حمایت بنیاد سینمایی فارابی ساخته می شود و ظاهراً اصلانی توانسته بخشی از سرمایه فیلم را از بخش خصوصی تامین کند. اصلانی قصد دارد فیلمبرداری را از مهرماه آغاز کند. نکته ای درباره فضا و مضمون و حتی ساختار فیلم منتشر شده و باید دید اصلانی بعد از چندین سال دوری از جریان اصلی تولید سینمای ایران با چه اثری در این فضا حاضر خواهد شد. «شطرنج باد» که در سال های قبل از انقلاب ساخته شده است مهمترین فیلم اصلانی محسوب می شود. البته او نویسنده یکی از مهمترین فیلم های تاریخ سینمای ایران است. تنگنا ساخته امیر نادری.

■ **سیروس الوند**: فیلمبرداری «تله» را به پایان رسانده و هم اکنون با به پایان رسیدن مراحل فنی آماده سازی، منتظر فراهم شدن مقدمات اکران آن است. الوند که این فیلم را در همان حال و هوا و فضای مورد علاقه اش که اتفاقاً بر آنها هم مسلط تر است، ساخته با ترکیب بازیگران و داستان فیلم به موفقیت آن در گیشه بسیار امیدوار است. هرچند بهره گیری از زوج این روزها محبوب گلزار و افشار را به قصد فروش بیشتر تکذیب کرده است. تهیه کننده فیلم از عید فطر به عنوان زمان نمایش فیلم صحبت می کند. این در حالی است که با توجه به علاقه الوند به جشنواره فجر، بعید نیست شاهد اکران فیلم در آن زمان باشیم.

■ **ایرج قادری**: در ادامه همکاری های متناوبش با هدایت فیلم، این بار قصد دارد «محاکمه» را در این دفتر بسازد. فیلمی براساس فیلمنامه ای از دوست قدیمی اش سعید مطلبی که در فضایی متفاوت از آکواریوم و نزدیک به می خواهم زنده بمانم می گذرد. موفقیت آکواریوم باعث شد تا قادری با اطمینان و پشتوانه محکم تری به فعالیت بپردازد و حالا هم قصد دارد تا چهره های جدیدی را به سینمای ایران معرفی کند. هرچند احتمال بازی خودش در این فیلم بعید به نظر می رسد.

نسل دوم

■ **رسول ملاقلی پور**: چند هفته پیش فیلمبرداری «میم مثل مادر» را بعد از چند ماه پیش تولید به پایان رساند و حالا مشغول تدوین آن توسط حسین غضنفری است. فیلمی که ملاقلی پور بسیار دلبسته آن است و حتی با وجود بروز مشکلاتی از ساختش منصرف نشد. دغدغه های همیشگی ملاقلی پور این بار در بستری از موسیقی بروز می یابد و باید دید نگاه خشم آلود و معترض همیشگی این فیلمساز نسل میانی سینمای ایران در پیوند با موسیقی چه حاصلی خواهد داشت. گل شیفته فراهانی در اینجا در نقش مادری که فرزندی نابینا دارد ظاهر می شود و ظاهراً حاصل این حضور نیز چشمگیر بوده است. بازی مرضیه برومند در کنار جمشید هاشم پور، امیرحسین صدیق و حسین یاری بر کنجکاوی ها می افزاید و باید منتظر تماشای این اثر متفاوت ملاقلی پور باشیم. احتمالاً نخستین نمایش میم مثل مادر در جشنواره فجر خواهد بود.

■ **رخشان بنی اعتماد**: جهانگیر کوثری هفته گذشته اعلام کرد «خون بازی» را نخستین بار در جشنواره فجر به نمایش خواهد گذاشت تا رسماً مشخص شود برای تماشای این فیلم رخشان بنی اعتماد باید تا هفت ماه دیگر صبر کنیم. این در حالی است که دو ماه پیش چند سکانس از فیلم در قالب یک سی دی تبلیغاتی برای عرضه در بازارهای جهانی منتشر شده بود و البته از همان تصاویر می شد حدس زد که با اثر متفاوت و تاثیرگذاری روبه رو خواهیم بود. بنی اعتماد در این فیلمش به موضوع اعتیاد جوانان پرداخته و با تسلط او بر معضلات اجتماعی، فیلمی دیدنی ساخته شده است. بنی اعتماد بعد از ساخت فیلم کوتاهش در پروژه فرش مشغول مطالعه بر روی چند طرح است تا با تکمیل آنها مقدمات ساخت فیلم جدیدش را فراهم کند.

■ **کیومرث پوراحمد**: فیلمنامه «اتوبوس شبانه» را درباره تعدادی از نیروهای ایرانی که توسط عراقی ها اسیر شده اند نوشته و قصد دارد آن را جهت پروانه ساخت ارائه دهد. در صورت ساخته شدن این فیلم، برای نخستین بار خواهد بود که کیومرث پوراحمد به طور مستقیم به موضوع جنگ می پردازد. بعد از عدم استقبال منتقدان از دو فیلم «گل یخ» و «نوک برج» در عین موفقیت آنها در گیشه، گفته می شد که پوراحمد قصد دارد فیلمی جدی بسازد اما پیش بینی نمی شد او به سراغ مضمونی جنگی برود. باید منتظر ماند و حاصل این رویکرد جدید پوراحمد را دید.

■ **واروژ کریم مسیحی**: در طول یک ماهه گذشته اخبار متفاوتی از این فیلمساز کم کار ایرانی منتشر شد. البته مهم ترین آنها همان اعلام رسمی بنیاد سینمایی فارابی در حمایت از فیلمنامه «تردید» او بود که شایعات را درباره ساخت فیلم جدیدی از کریم مسیحی به واقعیت تبدیل می کرد. به این ترتیب احتمالاً می توان امیدوار بود که سازنده فیلم تحسین شده پرده آخر بعد از ۱۶ سال فیلم جدیدی بسازد. البته در تمام ۱۶ سال کریم مسیحی فیلمنامه های زیادی نوشت و هر چند سال یک بار هم، صحبت هایی از ساخت فیلم جدیدی توسط او منتشر می شد اما عملاً تنها حضور کریم مسیحی در سینمای ایران به تدوین فیلم های دیگران و مشاوره هایی به آنها محدود می شد. ظاهراً تردید برداشتی جدید از نمایشنامه معروف هملت شکسپیر است. محمدمهدی دادگو تهیه کننده کم کار سال های اخیر آن را تهیه خواهد کرد.

■ **ابراهیم حاتمی کیا**: همچنان درگیر تصویربرداری سریال «حلقه سبز» است که تا چند ماه دیگر ادامه خواهد داشت. احتمالاً در سال جاری شاهد فیلم جدیدی از حاتمی کیا نخواهیم بود. البته او همچنان «به رنگ ارغوان» را به عنوان اثری مشاهده نشده در کارنامه دارد که با رفع مشکلش در هر زمان به عنوان فیلم جدیدی از او شناخته می شود.

■ **رضا میرکریمی**: انبوه پروژه های فیلم های کوتاه و مستند درباره فرش، سینماگران و فیلم های ایرانی و مفاخر فرهنگی تمام وقت او را مشغول کرده است. اما در همین حال گفته می شود از مهرماه ساخت فیلم جدیدی را آغاز خواهد کرد. فیلمی که گفته می شود فیلمنامه آن را یکی از داستان نویسان زن معاصر ایرانی می نویسد و میرکریمی بعد از فراغت نسبی از پروژه های عظیمش آن را خواهد ساخت.

■ **محمدمهدی عسگرپور**: با حضور در بخش هنری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران به فعالیت های این مرکز رونق داد و به عنوان حامی از ساخت چند فیلم حمایت کرد. او هفته گذشته فیلمبرداری جدیدترین فیلمش را با فیلمنامه ای از محمدرضا گوهری آغاز کرد. پانته آ بهرام و حسین یاری دو بازیگر اصلی این فیلم هستند که ابتدا قرار بود فضایی وحشت آور داشته باشد و حالا به اثری پرتعلیق تبدیل شده است.

■ **کمال تبریزی**: مشغول انتخاب چند طرح برای ساخت در سال جاری است.

■ **بهروز افخمی**: فیلمبرداری بخش دوم فیلم «فرزند صبح» را از مردادماه آغاز می کند.

■ **محمدعلی طالبی**: فیلمبرداری «یک ذره امید» را با حضور حمید جبلی و گل شیفته فراهانی طی چند روز آینده آغاز خواهد کرد. او در تلاش است تا فیلم را جهت نمایش در جشنواره کودک اصفهان آماده کند.

نسل سوم

■ **نیکی کریمی**: نام فیلم جدیدش را از «گریز» به «چند روز بعد» تغییر داد. با پایان مراحل آماده سازی آن را جهت نمایش در چند جشنواره خارجی عرضه خواهد کرد و البته احتمالاً نخستین نمایش آن در جشنواره فیلم فجر امسال خواهد بود.

■ **بهمن قبادی**: راه نیافتن «نیومانگ» به بخش مسابقه جشنواره کن باعث شد تا قبادی مجدداً بر روی قسمت هایی از جدیدترین فیلمش کار کند و هنوز خبری از پذیرش فیلم در جشنواره ونیز که قبادی عموماً نیروی خود را بر روی آن متمرکز کرده بود، منتشر نشده است.

■ **اردشیر شلیله**: نخستین فیلم بلندش را با نام «پاپیتال» با فیلمنامه ای از فریدون فرهودی می سازد. فیلم فضایی تلخ دارد و جزء نخستین محصولات بلندی محسوب می شود که از زمان حضور دوباره محمد آفریده بر مسند مدیریت مرکز سینمای تجربی در این مرکز ساخته می شود.

■ **مانیا اکبری**: با طرحی از عباس کیارستمی، فیلمبرداری دومین تجربه فیلم سازی مانیا اکبری با نام «۴+۱۰» به پایان رسید. مانیا اکبری که پس از فیلم «بیست انگشت» مترصد ساخت دومین فیلم خود بود به علت بیماری سرطان تجربه متفاوتی را در رابطه با مرگ و زندگی پشت سر گذاشته است. در این فیلم مانیا اکبری به یک حدیث نفس رئالیستی دست زده و تجربه خود را در رویارویی با مرگ و بیماری سخت به تصویر کشیده است.

■ **مهرشاد کارخانی**: این عکاس سینمای ایران فیلمبرداری نخستین فیلمش را به پایان رسانده و مشغول آماده سازی مراحل فنی آن است.

راه های میان بر

فوتبال و سینما

سیدرضا صائمی

سینما و فوتبال در مقام دو ژانر و گونه هنری- ورزشی امروزه لااقل در صنعت فرهنگ سازی به قرابت های کارکردی و هویتی بیشتری دست یافته اند، سنخیتی که به ویژه با مسئله «اوقات فراغت» گره خورده است. در این معنا هیچ یک از این دو مقوله در مقام حرفه و حتی بازی و نمایش صرف نیست بلکه به ابژه سرگرمی بدل می شود که به کار صنعت فرهنگ سازی جهت تولید سرگرمی و غنی کردن اوقات فراغت انسان مدرن می آید. سینما در این بستر برای هماوردی با فوتبال از «فرهنگ والا» فاصله می گیرد و به فرهنگ عامه نزدیک می شود. اساساً وقتی از سینما در صنعت فرهنگ سازی صحبت می کنیم از سینمای هنری و فلسفی دور و به سینمای عامه پسند که بر محور جذب مخاطب و سرگرمی آنان می چرخد می رسیم که غایت صنعت فرهنگ در همین تولید سرگرمی و سود ناشی از آن است. در واقع وقتی فرهنگ و ورزش به صنعت بدل می شوند به درون ساختار و مناسبات تجاری- اقتصادی پرتاب می شوند که ماهیت و تداوم آن وابسته به رونق این بازار است، لذا سینما و فوتبال برای رونق بازار صنعت فرهنگ با مسئله ای مشترک مواجهند به نام مخاطب! در واقع یکی از ویژگی های صنعت سینما و فوتبال، طیف وسیع مخاطبان آن است که برای تماشا و خرید کالای این صنایع سرگرم کننده باید بلیت خریده و به محل ارائه بازی و نمایش بروند! البته در سینما مخاطب پای نمایشی که از قبل اجرا شده می نشیند و در فوتبال نظاره گر نمایشی است که در لحظه نمایش خلق می شود و شاید هیجان و جذبه فوتبال و البته مخاطبین بیشتر آن نسبت به سینما در همین تفاوت باشد. نمایشی که دارای بازیگر و کارگردان(مربی) و طیف وسیعی از مخاطبان و منتقدان است. بازیگرانی که الگو و محبوب بسیاری از مخاطبان خود هستند و عکس های آنان بر در و دیوار اتاق طرفدارانشان نصب می شود؛ (عشق فیلم ها و عشق فوتبال ها) شهرت و محبوبیت بازیگران سینما و بازیکنان فوتبال بیش از سیاستمداران و دانشمندان و دیگر اقشار اجتماعی است. مسئله ای که گردش طبقات اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده است. ظهور ستاره و سوپراستارهای سینمایی و فوتبالی بارزترین کارکرد مشترک این دو مقوله است که حتی در الگوی مصرف و شیوه زیست انسان معاصر بسیار موثر است و خود دستمایه تجارت، بازرگانی و تبلیغات قرار می گیرد. چهره هنرپیشگان و فوتبالیست ها امروزه یکی از وجوه ثابت دستگاه تبلیغات (سیاسی- بازرگانی) قرار می گیرد.

ارتباط میان سینما و فوتبال بیش از همه شاید در جایی است که بازیکنان فوتبال در نقش بازیگران سینما ظهور می کنند. عابدزاده، علی پروین و حمید استیلی در کشور خودمان در سینما نیز حضور یافته اند و پله ستاره افسانه ای فوتبال جهان نیز کسوت بازیگری بر تن کرده است. از آن سو نیز جهانگیر کوثری تهیه کننده سینما از کارشناسان برجسته فوتبال است. این ارتباط زمانی نمود بیشتری می یابد که فیلمنامه و فیلم های متعددی با موضوع فوتبال تولید می شود. همه ما «فرار به سوی پیروزی» را به یاد داریم. و شاید نزدیکترین ارتباط فوتبال و سینما را لااقل در کشور خودمان در تیم فوتبال هنرمندان بدانیم. جایی که فوتبال و سینما در چهره ای واحد بازتولید می شوند. این کارکرد واحد در صنعت فرهنگ سازی در نگاه منتقدان البته وجهه ایدئولوژیک می یابد. به این معنا که هر دو ابزارهای ایدئولوژیک اند که با هدایت قدرت در جهت تولید، تبلیغ و اشاعه دستگاه فکری حاکم استفاده می شوند و نمادی از فرهنگ و تمدن ملی هستند. بروز این نقش را در جشنواره ها و مسابقات جهانی شاهد هستیم آنجایی که فیلم سینمایی با تیم ورزشی (به ویژه فوتبال) در مقام سفیر و نماینده کلیت یک قوم و سرزمین به هماوردی با دیگران مامور می شود. البته سینما به دلیل قابلیت های ماهوی- حرفه ای در برابر این بهره برداری ایدئولوژیک مقاومت می کند و همواره متاثر از ساختار قدرت نیست. این خاصیت البته در تولیدات سینمایی خاص بروز می کند و از درون فیلم های عامه پسند برنمی آید اما فوتبال به دلیل حضور در ساحت احساسی- هیجانی آدمی امکان واکنش های عقلانی را کاهش می دهد. و بیشتر در خدمت مقتضیات سیاست قرار می گیرد. سینما اما با اثرگذاری در سویه های عقلانی -ذهنی آدمی در عرضه خصوصی و لایه های درونی تر زندگی مخاطبان نفوذ می کند و همین تفاوت دستمایه نگرش دوگانه به سینما و فوتبال می شود و اولی را متعلق به اهالی فکر و ساحت روشنفکرانه می داند و دومی را وابسته به فرهنگ عامه که مبتنی بر سطوح ظاهری نیازهای آدمی است معرفی می کند. دامنه این تفاوت تا نوع بازی این دو حوزه نیز کشیده می شود. بازیگران فوتبال همیشه یازده نفر هستند که در مواقع ضروری تعویض می شوند. در واقع بد بازی کردن بازیکنان به طور زنده نقد می شود و با تعویض اصلاح می گردد امری که در سینما بعد از نمایش فیلم اتفاق می افتد و البته فرصتی هم برای تعویض باقی نمی ماند. در فوتبال کسی نقش اول ندارد. هرکدام از بازیکنان در نقش خود اهمیت دارند گرچه بازی خوب در هر دو مقوله مورد تقدیر واقع می شود فوتبال بر محور توپ شکل می گیرد و فیلم براساس فیلمنامه بنا می شود. در اولی این شیء است که مولد بازی است و در دومی فکر و اندیشه است که به تولید اثر هنری می انجامد. اما فراتر از این تفاوت های صوری و ماهوی در صنعت فرهنگ سازی با هدف تولید سرگرمی و تجارت اوقات فراغت، سینما و فوتبال کارکردهای واحدی می یابند و هر دو یکدیگر را در راستای اهداف خویش به خدمت می گیرند. این ذات صنعت فرهنگ سازی است که احساس و هیجان و هنر و اندیشه را به تجارت و فراغت گره می زند و با بسط هژمونی بورژوازی بر رونق این بازار توده ای می افزاید.